ابلیس لعین صدای الا ان محمدا قد قتل در میان خاص و عام افکند قومی از اهل اسلام را گمان شد که مگر آن صورت واقع است با یکدیگر گفتند کاش
رسولی شدی ما را نزد عبدالله ابن ابی دستیم تا باشد که از ابوسفیان برای ما خط امان بستاند و بعضی منافقان مجال سخن یافته با مسلمانان میگفتند اگر او
پیغمبر بودی کشته نشدی و چون در دایره مقتولان داخل شد شما از دین وی خارج گشته بهمان روش که داشتید باز گردید و در آن روز
انس بن النضر عم انس بن مالک بتدارک آنکه حرب بدر از وی فوت شده از عقب لشکر روی بمعرکه احد نهاده و می آمد در راه بفوجی از صحابه رسید
جناب نبوت مآب رسید جواب دادند که چنین شنیدیم که آنحضرت در سلک شهدا اندراج یافته فریاد برکشید که پس شما زنده و چرا ایید از جهت
سبب بالشاه عرب موافقت نمائید اگر رسول خدای صلوات الله علیه کشته شد خدای رسول زنده و پاینده است شما را بعد از وفات آنحضرت
از جهة لغت حیوة چه لذت پاپید تا بر دین وی شمشیر زنیم و هم بران اعتقاد که وی بود جان فدا کنیم ع که شرط عشق بود اتفاق با معشوق
پس متوجه رزمگاه شد و در راه سعد معاذ را دید و سوگند یاد کرد که از جانب احد بوی بهشت میشنوم و صف کفار در آمده جنگ عظیم تقدیم
رسانید و بانبیه اتفاق از روی وفاق مذاق جان لشهید شهادت شیرین گردانید و ثابت شده که هشتاد و اند زخم تیر و نیزه و شمشیر بر
بود چنانچه جثه وی در میان کشتگان معلوم نمیشد و خواهرش بنانی که بر انگشت وی بود و او را بشناخت و آن مرد مردانه بدین جانبازی
بازی علم سرافرازی در میان صحابه برافراخت و از رنگ آمیزی نفاق باز رسته خود را سرخ روی هر دو جهان ساخت بیت چون شهید عشق
در دین و عقبی سرخ رو است : خوش آن بشد که ما را کشته تیغ میدان برند : و بعد از آنکه حضرت رسالت صلوات الله علیه از پشت کوه
که برادر بر دار اجتناب کرد دیده بشت بر میدان کارزار آورد دید ایشان میگفتند ما آواز قتل تو شنیدیم و از آن خبر جگر سوز روزگار بر ما تیره گشت
ترسیدیم و از غایت ترس که بر ما غالب شده بود بگریختیم حق سبحانه دفع عذر ایشان را فرستاد که وَمَا مُحَمَّدٌ نیست بنده ستوده من الا
رَسُولٌ که فرستاده از پیش قَدْ خَلَتْ بدرستی که بگذشته اند مِن قَبْلِهِ الرُّسُلُ پیش از وی فرستادگان یعنی افاضل انبیا و اشراف رسل
پیش از آنحضرت بسیار آمده اند و علم رسالت برافراشته و بعد از انقضاء اجل مسند نبوت و مکان شریعت را خالی گذاشته در این دیر کهنه
اقامت معماری هیچکس مسموع نشود سرای جهان بیوفا ماتم جای اولیاست به مکاری ریخ بر بندگان طرب آباد کرد در روزگار غدار نباید دل است
سکون در و بر دوام نباشد چنانچه ایشان درگذشتند و خواص امم ایشان از دین و آئین خود برنگشتند باید که شما نیز بران دین و سلوک
و دین متین او از روی آسانی از دست ندهید بیت و این چون تو نگاری رکف آسان ندهیم : که بخون تا به بسیار بدست آمده است أَفَإِن
مَاتَ آیا اگر بمیرد این پیغمبر أَوْ قُتِلَ یا کشته گردد گر قتل کرد با آنکه حق را معلوم بود که مقتول نخواهد شد جهة آنکه اعلام صادق قتل در آن جنت
بود یا اگر این صورت نزد فی ما بین از مجوزات بشمود و در تفسیر کبیر هست که این بر سبیل الزام وارد شده چو موسی ع با تفاق علما وفات نموده
و امت او بر دین او ثابت بودند و زعم بعضی آنست که عیسی ع کشته شده و نصاری دست از آئین او باز نداشتند اینجا نیز فرا داشت
که موت و قتل نبی است او باید که ترک شریعت او نکنند صاحب تیسیر گفته که خروج آنحضرت صلعم از دنیا هم بموت بود و هم بقتل زیرا که در
کلمه خیبر یعنی آن لقمه زهرآلود که تناول نمود در بدن مبارک آنحضرت ظاهر میشد و در حین وفات نیز همان حالت ظهور داشته و معنی
قتل کرده اند و موت بر زوالش خود ظاهر است و نکته جمع میان موت و قتل در آیه اینست سلمی میگوید که حق تعالی این کرد اند از قتل ... ترک

بجان

بجان باشد در نزد جها و گفته اند چنانچه موت موجب رجوع امت نیست از دین پیغمبر ایشان قتل نیز سبب رجوع نشود پس حق تعالی
فرمود که اگر موت پیغمبر شما یا قتل وی وقوع یابد انْقَلَبْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ باز میگردید شما بر پاشنهای خود و این از امثال عرب است که چون کسی
از راه و روشی که بجد و جهد پیش گرفته باز آید و بر رسم قدیم که داشته باز گردد گویند انقلب علی عقبه و مراد اینجا ترک جهاد است و قیام بامر
بانچه پیغمبر صلعم در اقامت اهتمام داشت و گفته اند این انقلاب ارتداد است و بعضی این قول را ضعیف داشته اند چه دران روز هیچ
از مؤمنان مرتد نشدند وَمَن يَنقَلِبْ عَلَىٰ عَقِبَيْهِ هر که برگردد و بپس باز رود بارتداد یا ترک جهاد فَلَن يَضُرَّ اللَّهَ پس زیان نرساند بدان
برگشتن خود خدا را شَيْئًا چیزی زیرا که مضار و منافع بر وی روا نیست بلکه ضرر آن منقلب بعقب هم بدو عاید گردد وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ و زود باشد که جزا دهد خدای مر سپاس دارندگان را یعنی کسانی که برنگشتند چون انس بن النضر و امثال
او و ایشار از آن گفت بجهة آنکه آنچه از ایشان صادر شد سپاسداری بود بر نعمت اسلام و هر که از او راست بر دارد نعمت او را شناسد
شکر آن را بجای آورده بیت عاشقی کز نشو و نما و تشریف عشش : نا سپاسیست که شکر نعم او نکند : و چون تعداد اسما و صفات حضرت
رسالت رتبت صلعم در تفسیر این آیه مقرر بوده و فی المجمد بسطی را آنچه تعلق دارد بدین نام خجسته فرجام که در آیه مذکور است از لوازم بود بیت
ای نام تو راحت روان همه کس : وز نام تو پیداست نشان همه کس : از نام خوش تو جان جانی یابد : جان من و تحسین زبان
همه کس : باید دانست که اسامی آنحضرت و صفات کمال نعوت جلال سید اخیار زیاده از حد شمار است و سلطی را نوار چنانچه در کمال
المصطفیه آورده که بعضی برانند که پیغمبر را هزار نام است و طایفه از علما آنها را جمع کرده اند و لی شبهه کثرت اسما بر عظمت مسمی و شرف
مسما و دین ترجمه این اسامی و اشهر آن بیان میکرد و اسامی آنحضرت با معانی که از روی مجاز اطلاق اسم بران نیز کرده اند چهار قسمت یکی
بنص قرآن ثابت شده دوم آنکه بحدیث متواتر گشته سیم آنکه علما در کتب معتبره آورده اند چهارم آنکه مذکوران و امثال ایشان بیان کرده
و هر یک ازین اقسام در لمعه رقم ظهور خواهد یافت و بعد ازین لمعات ذیلی که مشتمل بر متعلقات اسم محمد صلوات الله علیه مسمی باشد بر ساحت
بیان خواهد تافت لمعه اولی در آنچه ثبوت آن بنص قرآن باشد و آن دو نوعست یکی آنکه بصریح مذکور دوم آنکه از فحوای آیات استنباط
کرده اند و اول از آن پنجاه و سه اسمست بعدد حروف احمد ۱ محمد یعنی پسندیده در اشکار و نهان بستایش خداوند جهان قال الله تعالی
وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ ۲ احمد یعنی ستاینده ترین اهل سپاس و اهل محامد بی حد و قیاس قال الله تعالی یأتی من بعدی اسمه احمد ۳ امی
یعنی نانویسنده کتاب قال الله تعالی النبی الامی الذی یؤمن بالله ۴ اولی یعنی سزاوارتر بمؤمنان از نفسهای ایشان قال الله تعالی
النبی اولی بالمؤمنین من انفسهم ۵ بشر بحقیقت بهترین و کاملترین آفریدگان اوست و مطلق جز صرف بکار نباشد قال الله
قل انما انا بشر ۶ بشیر یعنی مژده دهنده اولیا بدار النعیم قال الله تعالی انا ارسلناک بالحق بشیرا و نذیرا ۷ نذیر یعنی بیم کننده اعدا
بعذاب الیم ۸ برهان یعنی حجتی پیدا و دلیلی هویدا قال الله تعالی قد جاءکم برهان من ربکم حنیف یعنی مایل بعبادت الهی و منحرف
از ادکاب مناهی قال الله تعالی فاقم وجهک للدین حنیفا حق یعنی درست در اقوال و راست در افعال قال الله تعالی فلما جاءهم
الحق من عندنا حریص یعنی شتابنده در ایمان امت و نجیل کننده در او و ... فضایف بعثت قال الله تعالی حریص علیکم خاتم یعنی

Copyright © King Saud University